

بیت عمیق حقد آن ابرار

برود عواض کسب هر قدر قدم است افرا دارستان قمر اگر است

را در دست هر چه که زند هر چنان بیاید در نام گم گمتر

مستم و هر چه میسر است درین بی گمتر است ایصال آن

سازند گرفت روزی مع مجید درین کسب است ایصال آن

درین آن کسب در لذت است ایصال آن کسب در روز

و قضا بگو در روز ایصال آن کسب در روز

در ایصال آن کسب در روز ایصال آن کسب در روز

بیت عمیق حقد آن ابرار

۵۹/۲/۲۹

کسب

شماره ۱۴۱
تاریخ ۱۳/۳/۱۳۵۹

جناب محترم آقای دکتر های اسماعیل زاده

استراما به پیرمت حقوقی نامه پد روماد آقای محمد تقی شهرام را که طی آن تقاضای
معاضدت و تعیین وکیل از طرف جمعیت حقوقدانان کرده اند ارسال میگردند . خواهشمند
است بعنوان وکیل معاضدتین آقای محمد تقی شهرام اعلام آمادگی نمودن و یا اخذ وکالت
از نامبرده در اجازت حضور و کتب به روشن شدن چگونگی انبساط ایشان اقدام کرد و نتیجه را
بماین جمعیت اطلاع دهید .

کمیته معاضدت جمعیت حقوقدانان ایران

www.iran-archive.com

۲/۵

شماره _____ راف

جناب آقای دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

حسب اطلاع مقرر است محاکمه آقای محمد تقی شهرام بزودی آغاز شود با جلب توجه شما به حقی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای داشتن وکیل به متهم داده شده است بدینوسیله آمادگی خود را جهت حضور در دادگاه و دفاع از نامبرده اعلام میدارد .
خواهشمند است دستور فرمایند ضمن آنکه پرونده امر را جهت مطالعه در اختیار اینجانب قرار میدهند ترتیب ملاقات با موکل را نیز فراهم نمایند .

با احترام - وکیل معاضدتی جمعیت حقوقدانان ایران

دکتر هادی اسماعیل زاده

۱۴/۳/۵۹

رونوشت : ریاست جمهوری ایران

ریاست دادگاه انقلاب اسلامی تهران

روزنامه بامداد

روزنامه اطلاعات

روزنامه انقلاب اسلامی

روزنامه کیهان

روزنامه مجاهد

اعلام آمادگی برای دفاع از تقی شهرام

اعلام میداره .

خواهشمند است دستور فرمایند ضمن آنکه پرونده امر را جهت مطالعه در اختیار اینجانب قرار میدهند ترتیب ملاقات با موکل را نیز فراهم نمایند .
با احترام - وکیل معاضدتی جمعیت حقوقدانان ایران -
دکتر هادی اسماعیل زاده

انقلاب اسلامی ایران
حسب اطلاع مقرر است محاکمه آقای محمد تقی شهرام بزودی آغاز شود با جلب توجه شما به حقی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای داشتن وکیل به متهم داده شده است بدینوسیله آمادگی خود را جهت حضور در دادگاه و دفاع از نامبرده

بدنبال اعلام شروع محاکمه تقی شهرام از سوی دادگاههای انقلاب اسلامی ، دکتر هادی اسماعیل زاده آمادگی خود را برای حضور در دادگاه و دفاع از تقی شهرام اعلام داشت .
متن نامه دکتر هادی اسماعیل زاده بدین شرح است:
جناب آقای دادستان کل

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

216 Ave. PAHLAVI TEHERAN 13

Tel. 649713

هادی اسماعیل زاده

دکتر و حقوق

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران ۱۳ - خیابان پهلوی شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

جناب آقای دادستان محترم

حسب اطلاع، آقای تقی توام مدخل اینجانب نسبت به مدارک و اسنادی که به استحضار می‌رساند، در خصوص پرونده ای که در دادگاه تجدیدنظر خاندانه در دست است، در تاریخ ۱۳/۱۱/۵۴ در حضور شما و سایر اصحاب دعوا، اظهار داشت که این مدارک و اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

با احترامات مجدد

۱- تقاضای توقیف اسناد مذکور در صورتیکه در دادگاه تجدیدنظر خاندانه در دست است، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۲- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۳- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۴- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۵- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۶- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۷- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۸- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۹- تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۱۴/۱۱

تقاضای صدور حکم در خصوص این پرونده، در صورتیکه این اسناد، متعلق به او می‌باشد و خواهشمند است در صورت امکان، اقدام به توقیف آن‌ها نمایید.

۱۳/۱۱/۵۴

روابط: روزنامه‌های انقلاب اسلامی، کیهان، تابان، اطلاعات

HADI ESMAILZADEH
Docteur en Droit
Inscrit au Barreau de Téhéran
216 Ave MOSSADEGH
TEHERAN 13
Tel 649713

M. le Procureur Général de la Révolution,

D'après des informations qui me sont parvenues, M. Taghi CHAHRAM, mon client, est gravement malade et a besoin de soins effectifs. D'autre part, sa famille est très inquiète au sujet de sa santé. C'est pourquoi je tiens à vous informer des points suivants:

1- Etant donné, que les soins médicaux sont les droits élémentaires de tout prisonnier, même dans les pays les plus arriérés, je vous serais reconnaissant, afin de prouver la bonne volonté des autorités de la prison, de donner l'ordre, que les médecins de la médecine légale visitent le prisonnier en ma présence, et que ce dernier soit traité par des spécialistes, aux frais de sa famille.

2- Etant donné, que contrairement aux lois juridiques, humains et islamiques, le prisonnier est privé du droit aux visites, de donner le droit à la famille de le visiter afin de ne pas bafouer les lois islamiques.

3- Etant donné, que le droit à la défense est le droit primordial de chaque accusé, et que cela ne peut se faire sans l'étude du dossier et la visite du prisonnier, veuillez donner l'ordre de me faire parvenir le dossier et de pouvoir visiter l'accusé.

Avec mes respects.

H.ESMAILZADEH

Copies envoyées aux journaux: Engelab Islami (Révolution islamique Modjahed, Keyhan, Bamdad, Ettélaat.

2/9

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

MOSSADEGH

216 Ave. TEHERAN 13

Tel. 649713

پادی اسماعیل زاوه

وکیل و حقوق

ویژه پایتخت دادگستری و مشاور حقوقی

تهران ۱۳ - خیابان ~~موسادغ~~ - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

رایت محرم دادگاه انقلاب اسلامی

مخالف به مطالب مندرج در ضمن در روزنامه کیهان مورخ ۱۱/۴/۵۹ و سایر مجامع آتای لقی شهرام (مدکل) در روز دوشنبه آینده در روزنامه کیهان مورخ ۱۴/۳/۵۹ و ۲۶/۳/۵۹ لغزبان آتای دادگاه کل انقلاب و با حفظ حقوق مدکل در باب عدم صلاحیت دادگاه انقلاب بدلیل صلاحیت مراجع عمده ای، تبرهن با نام لزوم صلاحیت حقوق مدکل در رعایت مقررات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طلب لغزبان خواهد شد است دستور فایده :

- ۱- نظر به اینکه شعب طوع مدکل بهیارک قیداً نظریه بزرگان قانونی در مورد تکرانی همین آتای لقی شهرام جهت مصدر در دادگاه انقلاب گرفتار.
- ۲- کثیر خدایک صادره را مستعداً به باره و قانون کسب دادگاههای انقلاب با بنحیث از ابلاغ تا از ایامات انتالی مدکل رسماً آسگاه گرم در برنده آتای را جهت مطالعه در افتتار اشخاص قادر دهند. ولیتی است به اقتضای عدالت اسلامی فعالیت مناسی برای مطالعه برنده داره خواهد شد.
- ۳- ترتیب ملاقات انجیاب با مدکل داره شود زیرا حصه آن صرفاً آنکه امروزه درون ملاقات با مدکل و ملاقات برنده هکین نخواهد بود.
- ۴- در کتنامه فی راکه با بنضای انجیاب رسیده و توسط خواهر شهم تقسیم خواهد شد برای امضا در وقت داره و حظه آنکه بنه بنام برده تقسیم، بنه دیگر در برنده و توسط هونط و بنه مدکل توسط شهم تقسیم و انجیاب برده و گردد.

دکتر راجحان: هادی انجیل زاده
دکتر مسافه فی محمدت محمدت

۱۱/۴/۵۹

وزارت آتای در وقت کل انقلاب - روزنامه کیهان، اطلاعات، تابعدار، انقلاب اسلامی جمهوری

۶/۵

HADI ESMAILZADEH
Docteur en Droit

Avocat inscrit au Barreau de Téhéran
216 Ave Mossadegh
TEHERAN 13
Tel 649713

Au Responsable du Tribunal Révolutionnaire du Centre,

Selon la nouvelle donnée par le journal Keyhan du 2/7/80 sur le procès de Taghi CHAHRAM (mon client), qui se déroulera lundi prochain, et suite aux télégrammes du 6/6/80 et 18/6/80 au Procureur Général de la Révolution, vu que cette affaire ne concerne pas les tribunaux islamiques mais les tribunaux ordinaires, je tiens à vous informer des droits de l'accusé et des règlements de la République Islamique:

1- Etant donné que l'accusé est malade, les médecins de la médecine légale doivent donner leur avis sur la capacité de M. CHAHRAM à assister au procès.

2- Les accusations portées, selon l'article 6 de la loi des tribunaux révolutionnaires, doivent me parvenir afin que je sois au courant des accusations, ainsi que le dossier de l'accusé.

Il est clair que selon la justice islamique, un temps suffisant sera donné pour l'étude du dossier.

3- Qu'il me soit permis de rencontrer l'accusé, car je vous rappelle que sans cette rencontre et l'étude du dossier, la défense ne me sera possible.

4- La procuration qui m'a été donnée et qui sera remise par la sœur de l'accusé, soit signée par celui-ci. Qu'une copie soit remise à l'accusé, une autre me soit remise et qu'une troisième soit mise dans le dossier..

Avec mes respects

H. ESMAILZADEH

4/9

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

MOSS VEGH

216 Ave. ~~Paris~~ TEHERAN 13

Tel. 049713

دکتر داریوش اسماعیلزاده

دکتر در حقوق

میل پاریت و دکتری و مشاور حقوقی

۱۳۵ - خیابان ~~پلیس~~ - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

بنابراین آتای داد فدرالیست جمهوری ایران

از آنجا که حقوق اساسی ۱۱۳ تاکنون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده همه است و از آنجا که نامه
 و تالیفات برای انقلاب به آتای داد فدرالیست تاکنون بدون پاسخ
 مانده است و با آنکه فدرالیست گویا مسئولیتی وجود ندارد و ناگزیر مسئولیت
 شما را در برابر قاضی قانون اساسی برای ثبت در تاریخ انقلاب ایران می -
 سازد. همچنین نامه ها را در آتای داد فدرالیست میبرام انقلابی سترگی
 که بحث بلای سیاسی منصف رژیم فاسد و وابسته به امپریالیسم شاه را
 لزوماً قید کرده و فدرالیستی در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ با زدامت و با این هدف
 که با زدامت و مصداق مهوری به فدرالیست علیه سازمانهای انقلابی
 مقرر می شود مستورا استفاده ترار بر دقتا امروز تحت نفوذ گروهها و باندهای
 فدی نفوذ در مجامع استیاد ایادی رژیم مزد رها و فاسد و در هر ایطی بمرا تب
 بدتر از آن در بنده مانده است.

عسر و آلتی داد فدرالیست انقلاب در راستا بر روز ۵۸/۴/۱۱

بدون سند و گواهی در دادگاه فدرالیست که مسئولیت بر عهده آنهاست
 انقلابی را از دادگاه محکوم کرده اند و دولتی :

دولتی میبرام چیست؟

میبرام دگر از روز دادان مخالف مردم منصف و زحمتکش ما است هوی از

ابتدای جوانی به بارزه علیه استبداد و استبداد در رژیم شاه

خائن پرورد و در بنده مالکی با پاینده فدرالیست جمع مذهبی سیاسی

۸/۵

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

MOSSADDEGH
216 Ave. ~~Paris~~ TEHERAN 13

Tel. 649713

دکتر اسماعیل زاده

دکتر و حقوق

موسسه پاریس و مشاور حقوقی

مصدق
ان ۱۳ خیابان ~~پاریس~~ شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

با اتفاق بودند تو از دیه تا نفر بعد از آنکه با کسی با مراد دمازی و پیردازد
با و در نظر بداند که آنجا که در دیه از آن حقوقی میسازد با کسی
شرکت می نماید. اما آنکه او را از آن سالها می شناسند مگر برای این
حقیقت معتقدند که هر گاه میبایست در زندان اول تا آنرا قرار دادند
و بعد در برینا ردید و اعتبارات دادخواستی بدست آمد بوده است.

شهرام در سال ۴۸ - ۴۷ یعنی زمانی که تنها از زمانها گذشته ساده
علیه رؤسای حلقه مجازاتی پس از آن بدینحال دارد بدست آورد و
سازمان قضایی که در نظر میبایست از آنرا سرنگونی رؤسای
قطعاً ساکتاً میبایست تا بر مبنای ما بوده در میآید. این سازمان در
سال ۱۳۵۰ بنام سازمان مجازاتین حلقه ایران اعلام میروید و در آن
نماید در شهریور ۵۰ زمانیکه سازمان مورد پوشش در سازمان ساواک
قرار میگردید و به همراه بعد از حسن عطلی با آری و رانرا ایشی عناصر
صادق و دیگرها مجازات در زمان خلق که چون انقلاب آنان به پیوسته آنها انتخاب
خلق ما را داده و در وقت انقلاب مردم ما را آبیاری نمودند و دستگیر
و به سایر مجازاتی ساواک منتقل میبود. در آنجا به قسمت مجازات بستند می
شود و میگذرد به ساری منتقلی را تحمل می نماید. بعد از گذراندن مراحل
منتقل میگردد به ویاز جوئی در شکستگاهها و بین در دادگاههای نظامی
ها به دفاع از آرمان و خلق خود پرداخته و به همین دلیل به اعدام مجازات
یعنی ده سال زندان محکوم میشود وی در زندان نیوازیای نمی -
نهیقد به او ریگه پلیس زندان ناگزیر میشود با اتهام توهین به مقام
سلطنت وی را به زندان ساری تبعید نماید. در زندان ساری نیز دست
از مبارزه و افشاگری بر نمیآورد. چندین اعتماد عمومی علیه زندانیا نان

۹/۵

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

MOSSADEGH

216 Av. ~~Reza~~ TEHERAN 13

Tel. 649713

دکتر اسماعیل زاده

دکتر در حقوق

کتاب دادگستری و مشاوره حقوقی

صفحه ۲۱۶ - شماره ۱۳۵۱ - جیبان

تلفن ۶۲۹۷۱۳

براهمی اندازد و به همراه شهید حسین عزتی به کارگاه گرانده و تبلیغی روی افسر شرافتمند و معاون زندان ساری می پردازد. و با افسره موفق میشود با تفاق و با مقادیر قابل توجهی اسلحه مهمات و بی سی و ۰۰۰ از زندان فرار کرده و در بهار ۵۲ بسنگر همزمانش در سازمان مجاهدین خلق بپیوندد. از آن پس در زیر شدیدترین پیگردهای پلیسی و در خفتان آوارترین ایام حیات سیاسی مردم ما در خائیکه عضو کار رهبری سازمان مجاهدین خلق بود به مبارزه بی خونین و مسلحانه علیه رژیم شاهنشاهی ادامه میدهد. بدلیل خرابی که فرار شرابم بر پیکرنا پس شاه و از دست سازنده و بدلیل اینکه وی در صف اول مبارزه مسلحانه چریکی در طراحی اعدام انقلابی مزدوران پلیس شاه و مستشاران خونخوار آمریکائی نقش فعال دارد نامش در راس لیست پیگرد و سرکوبها و اذیت و کمینده مشترک قرار میگیرد. آری اینست نقطه اساسی زندگی معتمدتشری شرابم و مبارز آشتی ناپذیری که در سخت ترین شرایط و تحت شدیدترین سرکوب و پیگرد با تمام نیرو برای برافراشته نگه داشتن پرچم مبارزه انقلابی مردم با جان و سر کف تا سرنگونی رژیم شاه و حفظ دستاوردها و پیروزی انقلابی کودتخ. اما در نگاه پیروزی

با آنچه کرده اند؟

بهم جیب المانجاتی که در اختیار اینجانب قرار گرفته است بن انقلابی راستین و خستگی ناپذیر در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ دستگیر و توسط ما موران کمیته مرکزی باچشمان بسته بدقت تمام معلومی برده میشود و پس از ترتیب دادن صحت اعدام بمسلولهای انفرادی زندان قصر منتقل

۱۰/۹

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran
MOSSADEGH
216 Av. ~~MOSSADEGH~~ TEHERAN 13
Tel. 649713

دکتر اسماعیل زاده

دکتر در حقوق

کمیته واکسیری و مشاور حقوقی
مجلس
خیابان ~~مجلس~~ شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

میگردد. در تاریخ ۵۸/۸/۸۶ بدعا نه امنی منتقل می شود در توسط عوامل مشکوک که اینک برخی از آنان از دستگاه دادستانی دریده اند تحت انواع شکنجه ای ریجی سه بار مورد بازجویی قرار می گیرند. در ۵۸ شهریورماه ۵۸ بدکی از یاد آنهای لویزان منتقل می شود در این زندان احمد رضا کریمی عامل خود فروخته ساواک تا احرار بعنوان زندانی بدر حقیقت برای سیاسی بمدت ۴ ماه ونیم در کنار او قسرا ر میگیرند و با زجویی بعمل می آید.

در تاریخ دهم بهمن ماه ۵۸ یعنی پس از ۷ ماه گذران در سلول های انفرادی و تحمل شکنجه روانی و غله و زنجیر و تحمل سنده های اعدام و بدون اجازه استفاده از هوای آزاد و زیستن در خانه های امنی که تشخیص روزی در آن مقدور نیست به سلول انفرادی او پس منتقل می گردد. در زندان اوین توسط اسر میرزا جعفری که در نامه پس

تلمیذ یعنی رژیم شاه استن ابراز زندان است و انقلابیون ایران را بدلیل منازعه با شاه مورد شکنجه قرار داده است. مورد بازجویی قرار می گیرند.

در این مدت از درد دید معده دردها و خونریزی لخته گرفته تا ریزش موها را حتی پوستی و درد کلیه رنج میبرد بدون اینکه برای معالجه وی چاره اساسی اندیشیده شود. در حالیکه بیش از یکسال از تاریخ بازداشت این مبارز بزرگ در شرایطی بدتر از زندان تیان رژیم سابق میگذرد و این بار پس از نه ماه امکان ملاقات با خانواده اش را پیدا میکند و پس از ۴ نوبت ملاقات با خانواده اش تا این لحظه ممنوع می گردد. تاکنون با بنجانب اجازه ملاقات با وی داده نشده است و میخواهند او را بدون داشتن وکیل و به بیانه تنگی اطلاق در یک دادگاه غیر علنی

۱۱/۵

محاكمه کنند. آیا امیرالیزم از مشاهده چنین رفتاری نسبتاً
انقلابی واقعی شادمانند و میگردند؟ آیا وقت آن نرسیده است که بحیثیت
و هدفهای انقلاب ایران نظری دوباره بیفکنیم؟

اتهام او چیست؟

در اطراف عیبه‌های مختصری که در استانی انقلاب تاکنون انتشار داده
است آقای محمدتقی شپرام متهم بشرکت در قتل مجید شریف واقعی و
مرتضی صدیقه‌لیا شده است.

در مورد اتهامات مرتضی صدیقه‌لیا در این باره توضیح نیامده که وی
در دادگاههای نظامی رژیم پهلوی محاکمه گردید و بدلیل عدم سازش پهلوی
رژیم مخصوصاً در همین خصوص اعدام گردید و در واقع نیز خبر اعدام
نا مبرده به همراه شهادت دیگران از میان آمدن و مبارزین با تمام شرکت در
اعدام انقلابی مستشاران جاسوس آمریکائی و.....

در روزنامه‌ها درج گردید که عده‌ای برای این بخش از قدرت پهلوی
با درسی پرونده‌های مذهبی از تخلفات و با زیرمان دادرسی ارتش که در
روزنامه‌های عصر تهران مورخ پنجم و ششم و هفتم آذرماه ۵۸ درج
گردیده است برای این واقعتاً تأیید و تأییدها را در کوه پهلوی مرتضی صدیقه
لیا ف بدست مزدوران ساواک و دادرسی ارتش مورد با زجوشی و بازپرسی
و محاکمه قرار گرفته و به حکوم پهلوی اعدام گردیده است.

با این توصیف منسوب کردن قتل صدیقه‌لیا به محمدتقی شپرام
فاقد هرگونه اعتبار بوده و تنها میتواند بعد از آن دروغی آشکار که
نیازی هم به تکذیب ندارد از آن نام برده.

اما در مورد اتهام «شرکت در قتل مجید شریف واقعی و واقعی»

۱۳/۵

دلایل غیر قابل انکار از ادعای اربابان به دست آورده و در آن مورد
 موکل اینجانب به هیچ وجه به هیچ وجه در این مورد هیچ اقدامی
 صورت نگیرد و این ادعا را در دادگاه مطرح نماید و در این باره
 سایر اقدامات صورت گیرد و در صورت لزوم اقدامات مختلفه
 قتل میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر
 در پی پیگیری میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر
 در این قتل میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر
 پیرونده و تن از اربابان تهران سابق اداره دارایی در پی
 دادگاه انقلاب اسلامی تهران میسر میسر میسر میسر میسر
 «شرکت در قتل میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر
 مدرسه و زندگی برای اربابان تهران میسر میسر میسر میسر
 کسانیکه در میان ۵۰ از جمله با نام شرکت میسر میسر میسر
 زندگی را میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر
 شریفه و تنی قتل میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر

علاوه بر این معتقد است که در سال ۱۳۰۵ در تهران
 مسدود میسر میسر در کار در رهبری یکی از آنها بوده است
 فتنای پادشاهی حکم برجا همه شمگی بخوبی نشان میسر میسر
 سازمانها بطور مستقیم مبارزه شرکت در چنین عملیاتی
 نبوده اند.

درگاه مذکور از عبارت «شرکت در قتل» و فعالیت در تصمیم
 منجر قتل باشد آنرا باید مدعا نمود که همین تصمیم گیری
 در چرخه ارتباطی و درجه مناسبات و تحت چه شرایطی صورت
 گرفته است؟ در واقع هر کس حتی از دور با جزئیات مبارزاتی
 میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر میسر

۱۳/۹

داشته باشد، میداند که این درگیریها در زمان سازمانی مجامعین خلق بوده است که تغیره مندرجه گفته شد، شریف واقفی را بدنبال داشته است. نتیجه بلافاصله این حقیقت حقیقت دیگری میباشد و آن ماهیت سیاسی - تشکیلاتی اتهام است که در عبارت نارسای "مرکت در قتل" پوشیده و مستور مانده است.

آیا دادگاه انقلاب با نیت رسیدگی بچنین اتهامی رادادارد؟

اتهام انتسابی بدلیل آنکه مربوط به وقایع و اختلافات درون یک سازمان انقلابی در سالهای سیاه خفقان و در جریان مبارزه علیه دشمن مشوق و دال امپریالیسم جهانی را مرکب است، نمیتواند بطور انتزاعی و جدا از کل سازمان انقلابی و نقش این سازمان در کل جنبش انقلابی مورد بررسی قرار گیرد.

چگونه میتوان از یک سو فردی را در جمیع رهبری یک تشکیلات انقلابی بخاطر تصمیمی که جمیع اتفاقان نموده است مورد بازخواست قرار داد و از سوی دیگر یکی از تصمیمات کل رهبری و نتیجتاً کل سازمان را از مجموعه عمل کرد آن سازمان و نقش عظیمی که در جریان انقلاب و مبارزه مردم بر عهده داشته است مجزانه و به طور انتزاعی مورد بررسی و قضاوت قرار داد؟

رهبر است که دارای در مورد ملکه سازمانهای انقلابی سیاسی بداور انتزاعی از همه در زمین حقوقی خارج و بدون فایده است زیرا سر نوشت اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک درون جنبش انقلابی در مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک و بحث و تضاد در درون جنبش بدو وجه خواهد رسید.

از این رو رسیدگی با اتهام انتسابی بحول نه تنها از نقطه نظر کیفیت اتهام و مرایط سازمان و توجه به مستنداتی که این جمهوری اسلامی ایران نیز در ماهیت ذاتی دادگاه انقلاب نیست زیرا

۱۳/۵

الف - حتی اگر بخواهیم برخلاف کلیه اصول حقوقی آقای محمدتقی
 شهرام را از کل سازمان انتظامی که در آن عضویت داشته است منسوخ نموده
 و مسئولیت تعزیمات متعلقه توسط سازمان را بر عهده او قرار دهیم اتهام
 انتظامی به اتهام سیاسی است زیرا همزمان که خود او با بیعتش ژرفی
 که فقط از امانت او و مبتنی بر انتظامی است را رد کرده اظهار میدارد: «اگر اختلافات
 درونی یک سازمان سیاسی انتظامی که مندرجه بر خورد میان عده‌ئی از اعضا
 آن شده است، سازمانی که تمام سوابق زندگی و فعالیتش مشحون از
 مبارزه‌ئی استقامتی ناپذیر با رژیم شاه و امپریالیسم امریکاست موضوعی
 دقیقاً سیاسی تواند بود هر ساله دیگره ادعا درجه موضوع دیگری میتواند
 سیاسی تلقی شود؟» بدون هیچ‌یک از ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی
 ایران که مندرجه بر این قانون مادر است و غیر بر تصویب قانون دادگاه‌های
 انقلاب و نافع آنست که «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است
 و بنا بر هیات منصفه در مساکم دادگستری صورت میگردد» و دادگاه انقلاب
 فاقد صلاحیت برای رسیدگی با اتهام انتظامی است.
 بی تردید بفرض محال که اتهام انتظامی را سیاسی ندانسته و بر خلاف
 تمام اصول و قواعد حقوقی در ردیف اتهامات عادی تلقی نمائیم و در مورد
 نظر قانون تشکیل دادگاه‌های انقلاب به وسیله قانون اساسی نیز تسامح
 نمائیم و دادگاه انقلاب بموجب قانونی که موجد آنست فاقد صلاحیت برای
 رسیدگی با اتهام انتظامی به آقای محمدتقی شهرام است زیرا بموجب
 ماده ۱ قانون تشکیل دادگاه‌های انقلاب مصوب ۵۸/۳/۲۷ این دادگاه‌ها
 «مفاد رسیدگی به جرائمی که قبلاً از زیر زوی انقلاب برای تحکیم رژیم
 پهلوی و ایجاد وحفل و دزدی بگانه‌گان صورت گرفته است پس از پیروزی

۱۵/۹

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

MOSSADEGH

216 Ave. ~~MOSSADEGH~~ TEHERAN 13

Tel. 649713

دکتر اسماعیل زاده

دکتر در حقوق

وکیل دادگستری و مشاور حقوقی

مصدق

خیابان ~~مصدق~~ شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

انقلاب و دادگاهها باستانی ملت ایران روی ماهها میگذرد... تکمیل
مده اند.

براستی که... در این انقلاب بزرگ را
علیه رژیم پهلوی با هدف سرنگونی آن انکار کند؟ لازم به توضیح
نیست که اتهام انتسابی لاقابل بدلیل زمان واقع شده نمیتواند بر ضد
انقلاب اسلامی نیز وارد.

علاوه بر این ماده ۲ قانون مذکور در صلاحیت دادگاه انقلاب را
بطور صریح تعیین نموده است:

۱- قتل و کشتار و تجاوزات و سرکشی و سرکشی مبارزات
مردم ایران به افرینش و بدعت.

۲- سرکشی و سرکشی مبارزات و بدعت و بدعت
تدابیرات بزرگ اقتصادی منقار است بدست المال و مال استلاف

شرکت که در دفع بدعت است.
۳- سرکشی علیه رژیم پهلوی و سرکشی با اقدام مسالمانه و سرکشی
و سرکشی مسالمانه و سرکشی بدعت.

۴- سرقت مسالمانه و سرکشی و سرکشی و سرکشی یا سرکشی
مواد مخدر.

با توجه به تبصره ذیل همین ماده که مقرر میگردد "رسیدگی به
جرائم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی

نیست و در صلاحیت دادگاههای دادگستری با نامی میباشد" آیا کوچکترین
قریددی در مورد عدم صلاحیت دادگاهها قابل پیروا دارد؟

۱۶/۱

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran
MOSSADEGH
218 Ave. ~~MOSSADEGH~~ TEHERAN 13
Tel. 649713

دکتر اسماعیل زاده

وکیل در حقوق

کمیته و مشاور حقوقی

مصدوق
شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

آقای رئیس محترم:

آیا تاسف انگیز نیست که علیرغم تدبیر صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی از رژیم شاه گام را عقب تر نهاده و متعین سبب اساسی را از یاد رفتن وکیل محروم کنیم؟

این درد آور نیست که قانون اساسی را با گفتن کمتر از یک سال از تصویب آن نقض نمائیم؟

آیا زمان برای بدعتی چنین خطرناک خیلی زود نیست؟
این تاسف انگیز نیست که در طلبیده استقرار نهادهای جمهوری اسلامی انقلابی صادقی که نیمی از عمرش را صرف مبارزه برای پیروزی انقلاب کرده است در دادگاهی محاکمه شود که برای رسیدگی به جرائم خدا انقلابیون تکمیل شده است؟

این مصیبت نیست که نیروی توانمندان را بنیاداً صرف مسئولان مهربان محروم در دره رفاه بکشد و کشمکشهای داخلی بر سر قدرت بریزیم؟
مسئله‌های آینده بمانند ما چه خواهند گفت وقتی بنویسند دادگاه مهربان خدا از انقلاب خدا مهربان نیستی یکی از پرچمداران بزرگ مبارزه خدا مهربان نیستی را بر صندلی اتهام نشانید و.....؟

با تقدیم احترام به هادی اسماعیل زاده
وکیل معاهدتی جمعیت حقوقدانان ایران

۵۹-۴۱۴

روندوت: دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

ریاست دادگاه انقلاب اسلامی

روزنامه: کیهان با مدارا اطلاعات - انقلاب اسلامی - جمهوری اسلامی

کانون وکلای - جمعیت حقوقدانان

اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات

۱۷/۹

11/9

Hadi ESMAILZADEH
Docteur en Droit
Avocat inscrit au Barreau de Téhéran
216 avenue Mossadegh
TEHERAN 13
Tel 649713

M. BANI SADR, Président de la République,

Selon l'article 113 de la loi Constitutionnelle de la République Islamique de l'Iran, l'exécution de cette loi, vous revient et vu que mes lettres et télégrammes au Procureur Général de la Révolution sont restés sans réponse jusqu'aujourd'hui, je suis contraint à vous rappeler votre responsabilité face à la Constitution.

Comme vous le savez, M. Mohammad-Taghi CHAHRAM, grand révolutionnaire qui a fait trembler la police politique du régime pourri et inféodé à l'impérialisme du Chah a été arrêté le 2/7/79 avec ce but que son procès soit un alibi contre les organisations révolutionnaires et progressistes et jusqu'à nos jours il est emprisonné auprès des éléments du régime mercenaire impérial et dans des conditions plus mauvaises que ceux-ci.

Selon les nouvelles, le Procureur de la Révolution a annoncé son jugement pour lundi 7/7/80 sans présence d'avocats et dans un tribunal à huis-clos qui n'a pas le devoir de s'occuper de ce genre d'accusation mais:
Qui est Mohammad-Taghi CHAHRAM?

Chahram est un des fils de notre peuple honorable et travailleur. Il a dès sa jeunesse lutté contre l'oppression, la terreur et la dictature du régime traître du Chah. A 18 ans, il a formé un groupe politico-religieux, avec quelques amis pour se former et des lectures politiques. A l'Université, il a participé activement aux luttes politico-syndicales estudiantines. Les personnes qui le connaissent révèlent tous, que celui-ci était toujours au premier rang des manifestations et était avant-garde pour organiser les grèves estudiantines.

En 68-69, où seule une opposition au régime du Chah entraînait de lourdes peines, il adhéra à une organisation clandestine qui avait pour but la lutte armée pour renverser le régime du Chah et mettre fin à la main-morte des Etats-Unis en Iran. Cette organisation se déclara en 1971 sous le nom de l'Organisation des Modjahedines du Peuple d'Iran (OMPI) et en septembre 71, quand celle-ci fut repérée par la Savak, Chahram fut arrêté en même temps que Saïd MOHSEN, Réza REZAI, Nasser SADEGH, et des dizaines d'autres personnes qui ont versé leur sang pour alimenter la Révolution du Peuple. Au cours de son arrestation, il supporta les tortures, et ensuite interrogé dans les chambres de torture d'Evine et passa en procès devant les tribunaux militaires du Chah où il défendit la Cause du Peuple et c'est pourquoi il fut condamné à 10 ans de prison.

Il ne se soumit pas en prison et ainsi la police de la prison fut obligée de le transférer à la prison de Sari pour insulte à l'empereur. Là non plus il ne se tut, et dénonça et lutta. Il organisa plusieurs grèves générales contre les gardiens et avec l'aide du martyr Hossein EZZATI fit un travail de propagande sur le colonel sous-chef de la prison. C'est ainsi qu'accompagné, il réussit à fuir la prison au printemps 73, avec des munitions et armements, et rejoignit l'OMPI. A partir de cette date il fut poursuivi sévèrement par la police, tandis qu'il était membre du Comité Central de l'OMPI et luttait arme à la main contre le régime traître du Chah. La fuite de Chahram porta un grave coup à la police du Chah et étant donné que celui-ci luttait au premier rang de la guérilla pour l'exécution révolutionnaire des mercenaires du Chah et des conseillers américains, et avait un rôle important, son nom était en tête de toutes les listes de la Savak. Voici en gros les principaux traits de la vie de Chahram, militant incessant qui de toutes ses forces garda haut levé le drapeau de la lutte révolutionnaire du peuple iranien jusqu'au renversement du régime du Chah et la sauvegarde des acquis de la victoire de la révolution. Mais à l'aube de la victoire...

Qu'a-t-on fait avec lui?

Selon les informations qui me sont parvenues, ce révolutionnaire infatigable fut arrêté le 2/2/79 par les agents du Comité Central et fut transporté les yeux bandés vers une destination inconnue. Après avoir créé une scène artificielle d'exécution, il fut transféré dans les cellules individuelles de la prison de Ghasr. Le 17/7/79 il fut transporté dans une demeure sûre et interrogé à trois reprises par des éléments suspects.

Fin août 79 il fut transféré dans un des campements de Lavisan et Ahmad-Réza KARIMI élément de la Savak, apparemment en tant que prisonnier et en réalité pour espionnage fut à ses côtés pendant 4 mois et demi pour l'interroger. En février 79, après avoir passé 7 mois en cellule individuelle et supporté les tortures psychologiques, les cadenas et les chaînes, les scènes artificielles d'exécution et ne pas avoir respiré l'air, enfermé sans pouvoir différencier la nuit et le jour, il fut transféré à Evine. Là-Bas, il fut interrogé par Asghar-Mirsa Djafar Allaf, qui avait participé à la scène télévisée du régime du Chah, pour se repentir et pour critiquer les révolutionnaires iraniens qui luttaient contre le Chah. Tout au long de ce temps, celui-ci souffrait des maux d'estomac, douleurs de jambes, hémorragie de gencives, chute de cheveux et maladies cutanées, sans être soumis aux soins nécessaires. Malgré que plus d'un an s'est écoulé de son arrestation, et cela dans des conditions pires que les prisons du Chah, après 9 mois sa famille eu le droit de lui rendre visite, mais après 4 fois, elle en fut privée jusqu'aujourd'hui. Personnellement, je n'ai pu encore le rencontrer et on veut le faire passer par un médecin sans examen et ce médecin de la direction d'Evine...

le faire passer dans un tribunal à huis-clos.

Est-ce que l'impérialisme ne se réjouit pas de ce procédé envers un révolutionnaire? Le temps n'est-il pas venu de réétudier les buts et l'honneur de la Révolution en Iran?

De quoi est-il accusé?

Dans les brefs communiqués du Procureur de la Révolution M. Chahram est accusé d'avoir assassiné Madjid Charif Vaghefi et Mortéza Samadieh Labaf. Peut-être n'est-il pas nécessaire de rappeler que M. Samadieh Labaf pas en procès devant les tribunaux militaires du Chah et à cause de sa non conciliation avec le régime du Chah, fut envoyé au poteau d'exécution, et les journaux ont annoncé son exécution et celles d'autres Modjaheds pour avoir participé à l'exécution des conseillers américains. D'autre part, une partie du procès-verbal du tribunal militaire qui fut publié dans les journaux du soir de Téhéran datés du 26, 27, 28 novembre 79, prouvait bien que le martye Samadieh Labaf a été interrogé, jugé, condamné et exécuté par les mercenaires de la Savak. Avec ces explications, l'assassinat de Labaf ne peut-être mis au compte de Chahram et est un mensonge révélé qui n'a même pas besoin d'être démenti.

Mais au sujet de l'accusation de "la participation au meurtre du Modja martyr Madjid Charf Vaghefi", de nombreuses preuves et témoignages existent prouvant que celui-ci n'a pas participé à ce meurtre. Les preuves les plus importantes existent dans les documents et les archives de la Savak et du tribunal militaire. D'autre part les témoignages de nombreuses personnes qui étaient au courant de l'assassinat de Charif Vaghefi et ont participé directement ou dirigé l'assassinat montrent que mon client n'a pas participé à ce meurtre. En tant qu'exemple, le dossier des cinq dirigeants et anciens colonnels du Tribunal militaire dans la 1ère section du tribunal de la Révolution du Centre peut être étudié. Donc l'accusation de "la participation au meurtre de Charif Vaghefi" est un mensonge car aucune preuve n'existe. Toutes les déclarations et aveux des personnes condamnées à mort pour meurtre de Charif Vaghefi, en 76, prouvent que mon client n'a pas participé au meurtre. D'autre part une connaissance même limitée des procédés d'une organisation armée de guérilla dont Chahram était dans le Comité Central de l'une d'entre-elles et les conditions policières dominant la société montrent bien que le CC de ces organisations ne pouvait participer directement dans de telles actions. Toutefois, si "la participation au meurtre" veut dire décision collective qui aboutit au meurtre, il faut tenir compte que cette probabilité a été dans quelles conditions, relations et rapports?

En réalité, toute personne ayant une connaissance même de loin des luttes en Iran en 71, sait que ces affrontements étaient des problèmes internes de l'OMPI dont la purge a abouti à la mort de Charif Vaghefi. Le résultat

Est-ce que le tribunal de la Révolution a le devoir de s'occuper de genre d'accusation?

L'accusation portée étant en rapport avec les événements et divergences d'une organisation révolutionnaire dans les années de dictature noire et dans le courant de la lutte contre l'ennemi, l'impérialisme américain elle ne peut être séparée de toute l'organisation révolutionnaire et le rôle qu'a joué celle-ci dans le Mouvement Révolutionnaire. Comment peut-on d'une part juger le dirigeant d'une organisation révolutionnaire par une décision collective et d'autre part juger des décisions de toute direction et par conséquent la totalité des actes de l'organisation et en dissocier le rôle important de celle-ci dans le courant de la révolution et la lutte du peuple. Il est clair que le jugement des actes des organisations révolutionnaires politiques par fragment est exclu des droits juridiques, car les divergences politiques et idéologiques internes du Mouvement Révolutionnaire se résolvent dans les luttes politico-idéologiques et les discussions et échange de vue du Mouvement.

C'est pourquoi, l'étude du dossier et de l'accusation de Chahram, ne pas dans le cadre des devoirs du Tribunal de la Révolution non seulement du point de vue de l'accusation et de la date du déroulement mais du point de vue des lois de la République Islamique de l'Iran car: a- Même si l'on veut séparer contrairement aux règlements juridiques, Chahram de la totalité de l'organisation dont il était membre et lui donner la responsabilité des décisions de l'organisation, l'accusation est politique comme le dit lui-même " si les divergences internes d'une organisation politico-révolutionnaire a abouti à des affrontements entre les membres d'une organisation, dont ses activités ont été des luttes incessantes contre le régime du Chah et l'impérialisme américain, ne pas politiques, quel autre problème peut être politique?"

Et selon l'article 168 de la loi Constitutionnelle de la République Islamique de l'Iran, qui est la loi mère, l'approbation de la loi des tribunaux de la Révolution dit que " les accusations politiques et ce de la presse doivent se faire ouvertement (publiquement) et avec la présence d'un jury dans le tribunal du Palais de justice..." Le tribunal de la Révolution n'a pas le devoir de s'occuper de ce genre d'accusation

b- Même dans le cas où l'accusation n'est pas politique, ce qui est contraire aux lois et règlements juridiques, celle-ci est une accusation d'ordre normale et selon la loi de la formation des tribunaux de la Révolution, celle-ci n'a pas le devoir de la prise en charge des accusations données à Chahram car selon l'article 1 de la formation des tribunaux de la Révolution, ceux-ci "doivent s'occuper des accusations datant d'avant la victoire de la révolution pour le renforcement du régime des Pahlavi et la sauvegarde de la pénétration des étrangers à la victoire de la Révolution contre la Révolution Islamique du peuple iranien".

Qui peut nier les luttes incessantes de ce grand révolutionnaire contre le régime des Pahlavis pour le renversement de ce dernier? Ce n'est pas la peine de préciser que les accusations portées ne sont pas du à cause de leur date contre la révolution islamique;

D'autre part en plus de cet article, l'article 2 a ainsi déterminé les devoirs des tribunaux islamiques:

- 1- Meutre et massacre pour le renforcement du régime des Pahlavi et répression des luttes du peuple.
- 2- emprisonnement et torture du peuple militant
- 3- Grands crimes économiques, c'est-à-d pillage des biens du peuple ou les richesses du pays au profit des étrangers
- 4- Complots contre la République Islamique de l'Iran où démarche armée, terreur et destruction des organismes, espionnage pour les étrangers.
- 5- Vol armé, violation de la pudeur, import et distribution de drogue

En tenant compte de l'annexe ci-dessous qui mentionne "les accusations hors de celle-ci ne concernent pas les tribunaux de la Révolution mais ceux du Palais de justice ou militaire" est-ce qu'il reste à douter du devoir des tribunaux islamiques?

M. le Président de la République,

N'est-il pas décevant que malgré la loi Constitutionnelle, de reculer plus loin que le régime du Chah et priver les accusés d'avoir un avocat? N'est-il pas malheureux de violer la loi Constitutionnelle un an seule après son approbation?

N'est-il pas trop tôt pour une nouveauté si dangereuse?

N'est-il pas décevant qu'au début de la consolidation de la République Islamique, un révolutionnaire sincère qui a lutté la moitié de sa vie pour la victoire de la révolution soit jugé dans les tribunaux consacrés à s'occuper de la contre-révolution?

N'est-il pas un malheur qu'au lieu de consacrer notre force à éliminer la domination de l'impérialisme, passer son temps aux luttes pour le pouvoir?

Que nous dirons les prochaines générations quand elles liront que les tribunaux émanant de la Révolution anti-impérialiste ont jugé un des grands leaders anti-impérialistes?...

H. ESMAILZADEH

5/7/80

Copies envoyées: Procureur Général de la Révolution

Journaux: Keyhan, Bamdad, Ettelaat, Engélab Islami, Djomhourî Eslami, Ligue des Avocats, Ligue des Juristes, Association Internationale des Juristes Démocrates.

HADI ESMAILZADEH
Avocat à la Cour
216 Ave Mossadegh
TEHERAN
Tel 649713

M. le Président de la République,

Selon l'article 113 de la Constitution, vous avez la responsabilité de l'exécution de celle-ci. Je tiens à vous informer les points suivants: Vous êtes probablement au courant du Procès de Mohammad-Taghi CHAHRAM qui a débuté le lundi 14/7/80 dans le tribunal spécial sans présence de l'avocat, et vu que le tribunal n'a pas voulu tenir compte des droits de l'accusé, celui-ci s'est abstenu d'assister au procès. Et le tribunal a ainsi décidé de faire passer en procès l'accusé sans sa présence. Le déroulement de ce procès est contraire à la Constitution de la République Islamique car:

A- Le tribunal est incapable de vérifier les accusations portées: Premièrement, vu que les accusations portées se rapportent à des problèmes organisationnelles internes d'une organisation révolutionnaire, au cours des années 74-76, le responsable du tribunal a déclaré que les accusations sont politiques. Selon l'article 168 de la Constitution, ce dossier doit être donc remis aux tribunaux ordinaires avec présence d'un jury.

Deuxièmement, dans le cas où les accusations ne sont pas politiques, selon l'article 2 de la loi des tribunaux de la Révolution, ces tribunaux ne peuvent s'occuper de l'affaire de M.T Chahram. M. Moadikhah, pense que l'accusation est "la pression sur des militants luttant contre l'ex-régime, ce qui selon les lois du Conseil de la Révolution sont des crimes qui doivent être jugés dans le cadre des tribunaux islamiques."

Mais cette analyse est fautive:

16 Selon le premier paragraphe de l'article 2 de la loi citée, seuls "les assassinats et meurtres visant la consolidation du régime des Pahlavi et la répression des luttes du peuple d'Iran" sont dans le cadre des tribunaux islamiques. Si l'on tient à faire croire que la "répression des militants" est la même chose que la "répression des luttes", il faudrait aussi ajouter pour "la consolidation du régime des Pahlavi" et non les conflits internes des organisations révolutionnaires.

D'autre part, l'article 1 de cette même loi ajoute:

15/5/80

" les accusations avant la victoire de la Révolution, pour la consolidation du régime Pahlavi et la sauvegarde des pénétrations étrangères ou après la victoire de la Révolution contre la Révolution Islamique du peuple iranien". Donc comment peut-on juger un militant anti-chah et anti-impérialiste dans un tribunal dont le but est de juger les personnes voulant consolider le régime des Pahlavi et la pénétration étrangère.

2- L'approbation du tribunal de Chahram par le Conseil de la Révolution montre bien que ce tribunal n'avait pas le devoir de le faire passer en procès car il n'y aurait pas eu besoin d'approbation. Vu que selon la Constitution, les accusations politiques sont dans le cadre des tribunaux publics, donc l'approbation du Conseil de la Révolution dont se réfère M. Moadikhah, est en contradiction avec la loi.

B- Les droits de l'accusé ont été piétinés.

Selon les lois juridiques, chaque procès dont les droits de l'accusé n'ont pas été pris en considération, est contraire à la loi. Les droits de Chahram ont été bafoués au moins à trois reprises:

premièrement: Selon l'article 165 de la Constitution "les procès sont ouverts au public sauf si le tribunal juge que celui-ci est contraire au respect public ou l'ordre public;" Mais ce tribunal est à huis-clos à cause de "la limitation des places".

Deuxièmement, selon l'article 35 de la Constitution, tout accusé a droit à un avocat, et dans le cas où il n'a pas les moyens, il faut procurer ces moyens. Mais l'accusé est toujours privé du droit d'avoir un avocat. Le 26/5/80 j'ai envoyé un télégramme au Chef du tribunal de la Révolution, et vous ait fait parvenir une copie, dans lequel je vous proposais d'être l'avocat de M.T Chahram. J'ai envoyé une procuration à la prison et demandé maintes fois de me prévenir de la date du procès et de me remettre le dossier. Mais toujours cela sans réponse. Les autorités de prison ont montré une liste d'avocats de confiance à Chahram et à sa famille, faisant ainsi rappeler les tribunaux militaires du Chah. Dimanche à 20h le responsable de la prison prévient la famille de Chahram que je dois me rendre lundi à la prison d'Evine pour passer un examen de religion. J'ai déclaré que ce voeu est inadmissible. Mais l'esprit de l'accusé étant très tourmenté, celui-ci m'appela à 13h30 le lundi 14/7/80, c'est-à-dire une demi-heure avant le procès, me demandant que si je n'avais pas peur de me rendre à Evine pour le défendre. Quand je lui expliquai le voeu des autorités, celui-ci me

15 / 9

déclara que les autorités s'abstenaient de ce vœu. Je me rendis à Evine pour rencontrer l'accusé avant l'ouverture du procès. Mais on me dirigea dans une chambre où étaient assis les membres du tribunal. On m'accueillit froidement, tout à fait contraire aux moeurs iraniens et islamiques. Je refusa de passer un examen de religion, car cela est contraire aux lois internationales de ma profession et mon garant est la faculté de Droit, et de plus cela est contraire à la Constitution. Donc les autorités de prison empêchèrent la présence de l'avocat au tribunal.

Troisièmement: Contrairement aux lois juridiques et la justice islamique l'accusé avant et au cours de son procès a été accusé par les mass-média

1- Diffusion d'un film à la Télévision de la Savak sur la famille de Charif Vaghefi, à l'occasion de la commémoration de la mort de celui-

2- Programme à la radio accusant Chahram et l'Organisation des Modjahdines du Peuple d'Iran (OMPI)

3- Publication d'un article dans le quotidien République Islamique du 6/5/80 pour la commémoration de la mort de Charif Vaghefi accusant Chahram et l'O.M.P.I

4- Titre du journal de la République Islamique du 3/7/80 " Chahram a assassiné en mai 75 Madjid et a brûlé son corps."

5- République Islamique du 10/7/80 a titré " Chahram assassin du martyr Charif Vaghefi et répétition du même article le 15/7/80.

6- République Islamique du 15/7/80 a intitulé un article " Hier après midi le tribunal de la Révolution du Centre s'est ouvert pour le dossier de Chahram, leader de la ligne déviationniste de l'O.M.P.I et assassin de Charif Vaghefi et Samadieh Labaf.

7- Ettelaat du 16/7/80 accuse dans un article l'évasion de Chahram en comme étant un plan de la Savak.

8- Le journal Azadeghan du 17/7/80 accuse de telle façon Chahram qu'il est honteux de le mentionner.

Et cela, sans que la presse est diffusée ou rarement les revendications légales de moi et de la famille de Chahram et que ce dernier après plus d'un mois de détention n'ait eu le droit de répondre aux accusations.

C- Le parti-pris du Tribunal

Les faits montrent que non seulement le tribunal n'est pas neutre, mais ce procès est en réalité celui des organisations politiques. La formation d'un tribunal Spécial présidé par M. Moadikhak (proche du Parti de la République Islamique) prouvent bien cela. Surtout dans les conditi

1/11/80

où le Parti de la République Islamique possède de grands moyens, jour Mosquées, radio et télévision, et veut liquider ses rivaux. M. Moadikhah et non seulement député au Parlement Islamique, présenté par le Parti de la République Islamique et membre de celui-ci, mais a représenté, l'Ayatollah Mousavi Ardebil, membre du Comité Central du Parti lors du Séminaire de la Révolution Culturelle. M. Moadikhah a attaqué souvent dans ses discours l'O.V.P.I. Ces discours représentaient ses idées personnelles, mais comment peut-on penser que celui-ci va rester neutre au tribunal? Est-ce que M. Moadikhah est juge ou représente-t-il le Procureur? Celui-ci a déclaré dans la 2ème séance du Tribunal: " La Révolution ne s'est pas soumise aux USA vous pensez qu'elle se soumettra à vos vœux et ceux de votre organisation?" ou bien " Vous ne trouvez rien d'autre que le Parti de la République Islamique pour l'accuser tout le temps?" ou bien citant l'Ayatollah Taleghani: " On nous a donné un message que si vous soyez contre nous, nous vous tuer tous: Taleghani, Rafsandjani, Mahdavi Khani, Lahouti..." Est-ce que ce sont des paroles d'un juge neutre?

M. le Président,

Comment peut-on au cours des premiers mois de l'instauration de la République Islamique, être témoin d'un procès, sans avocat, sans accusé et sans juge neutre? M. T. Chshram a déclaré maintes fois qu'il serait d'accord de participer à un Tribunal neutre, étant dans le cadre de ses accusations. Donnez-lui l'occasion de se défendre et évitez ainsi le bafouage de la Révolution sanglante de l'Iran. Avec la haute responsabilité que vous avez en tant que Président de la République, face à la Constitution, cessez le procès injuste qui se déroule à Evine.

Avec mes respects.

H. Esmailzadeh.

Copies: Ghom, bureau de l'Ayatollah Montazeri.

Responsable du Tribunal de la Révolution

Procureur Général du pays.

Association Internationale des Juristes Démocrates.

Presse: Keyhan, Ettelaat, Engelab Eslami, Bamdad, l'hebdomadaire Omat

۲۲ / ۱

دلائل حاکم و در اندام با عود نسو شده

در تاریخ ۱۴، ۴، ۵۹

حالی حیاتی در وجه وی بسیار خوب

بر اثر استهلاک در نه شده است و فقط در صورت تحقق شود و در دارفا

در وقت مرگ قبول وی در دارفا

عصر و صبحانه و در دارفا

در بدن دارفا و در وقت انتقال وی به زنجان محمدی

حالت و جو حال بر این حلالی خاص از است در احتمالاً تا قدر

در عصر و در دارفا و در استهلاک

در آن از ~~مورد~~ در وقت اطلاع هستند و در وقت

اطلاق را از نشانی قبل از آنرا احتمالاً بنفید بره فقط در

در دارفا

در وقت مرگ و قبول دارفا

در تمام سینه مددک در طب است با تمام بر تمام در دارفا

۲۱۰/۹



شماره

پیوست

اداره

دایره

نام خدا

حضرت محترم دادستان کل کشور

محترماً خداهستند است دستور فرمائید حق داشتن دلیل مدافع که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هر متهم شناخته شده در مورد فرزند اینجانب بنام محمدتقی شرام که قرار است در تاریخ دوشنبه ۱۴۰۶/۰۶/۰۵ محاکمه شود رعایت گردد تا بتواند از حقوق قانونی خود برخوردار گردد.

۲۴/۹

با احترام و سپاس
مادر محمدتقی شرام

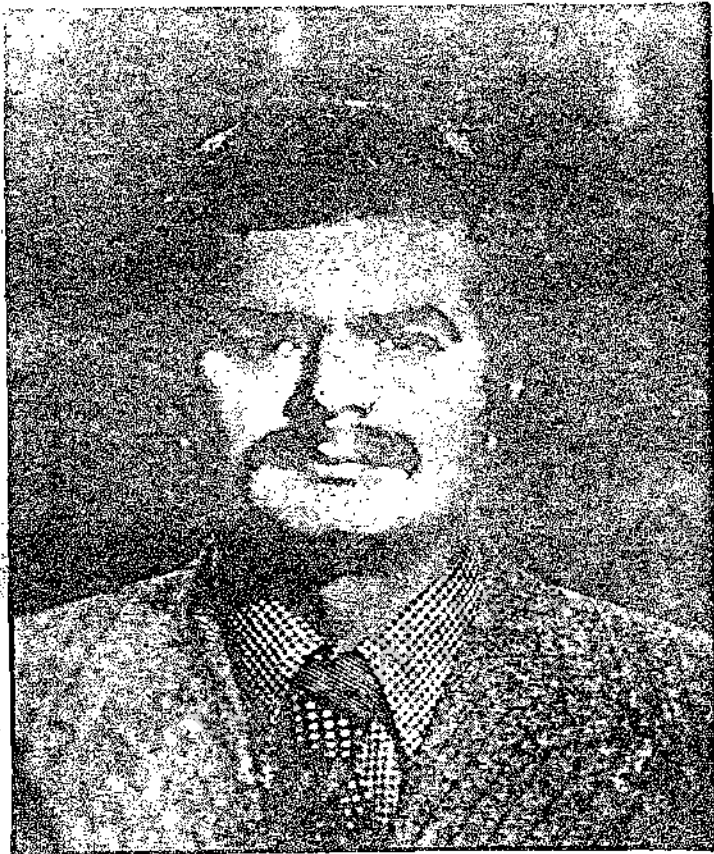
رئیس دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه
رئیس کل دادگاه

نامه دکترهادی اسماعیل زاده وکیل معاضدتی

جمعیت حقوقدانان ایران به جناب

آقای دکترینی صدر ریاست جمهوری ایران

لذات برای
سیاست فلورانس



در برپا کردن اغماضات دایستجویی پیشقدم نبوده است. سهام در سال ۴۸-۴۷ یعنی زمانیکه تنها ابراز مخالفتی ساده علیه رژیم شاه مجازاتی نداشتن سکین بدنبال دارد، بعضویت یک سازمان مخفی که هدفش مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم شاه و قطع سلطه میریالیستها بر مین ما بود، در می آمد. این سازمان در سال ۱۳۵۰ بنام سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام موجودیت می نماید در شهریور ۵۰ زمانیکه سازمان موردنیورش در خیابان ساواک فرار می گیرد، وی به همراه سعید محسن، علی ساگری، رضا رضائی، ناصر صادق و دهها مجاهد قهرمان خلق که خون اغلب آنها به پیشگاه انقلاب خلق مبارک اهدا شده و درخت انقلاب مردم ما را آبیاری نموده

از آنجا که بموجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده شماست و از آنجا که نامه ها و تلگرافهای شما به آقای دادستان کل انقلاب تاکنون بدون پاسخ مانده است و با آنکه بنظر میرسد گوش شنوایی و دستار داناگری بر مسئولیت شما را در قبال نقاشی کنون اساسی برای ثبت در تاریخ خاطر نشان می رود. همچنین آنکه استحضار دارید آقای محمد تقی زاده انقلابی حزبی که بیست و یکمین سیاسی مخفی است و با حضور او بنده به امیرالاسلام شاه را از انبساط و شادمانی در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ بازداشت نمودن هدف که بازداشت و محاکمه وی بعد از آن بهای علییه سازمانهای انقلابی مرفعی مورد سوء تفاهد قرار گیرد تا امروز تحت نفوذ گروهها و باندهای نفوذ در مجاورت ایادی رژیم مزدور شاهنشاهی و سرانبطی سمرات بیدتر از آن در بند مانده است. بنده اطلاعیه دادستانی انقلاب در نظر است او را در دو هفته ۵۹/۴/۱۶ بدون حضور وکیل در یک دادگاه علنی که صلاحیت رسیدگی به اتهامات انتسابی ندارد و محاکمه یکسانندولی

محمد تقی شهم کیست؟

شهم یکی از فرزندان خلف مردم شریف و یکی فاست روی از ابتدای جوانی بمبارزه علیه کوری، حقان و استبداد رژیم شاه خاشن بر می آمد. در هر حیده سالگی با پایه گذاری یک جمعیت سیاسی به اتفاق چند تن از دوستانش بنده اتحاد سیاسی و امر خود سازی می پردازد. با ورودش آنگاه فعالیتها در مبارزات صفی و سیاسی بنحویت شرکت می کند. کسانیکه او را از آن سالها شناسند همگی بر این حقیقت معترفند که شهم از آن دسته اول تظاهرات قرار داشته و همیشه

است، دستگیر و به سیاهچالهای ساواک منتقل میشود. در آنجا به تخت شلاق بسته میشود و شکنجه‌های مختلفی را تحمل می‌نماید. بعد از گذراندن مراحل مختلف شکنجه و بازجویی در شکنجه‌گاه‌ها و بین در دادگاه‌های نظامی شاه دفاع از آرمان و طلق خودپیداخته و به همین دلیل به اشد مجازات یعنی ده سال زندان محکوم میشود. وی در زندان نیز از پای نمی‌نشیند بطوریکه پلیس زندان ناگزیر میشود به آنها متوهین به مقام سلطنت وی را به زندان تازی تبعید نماید. در زندان ساری نیز دست از مبارزه و افشاگری برنمی‌دارد. چندین اعتصاب عمومی علیه زندانبانان بر راه می‌اندازد و به همراه شهید حسین عزتی به کارآگاه‌ها گرانده و تبلیغی روی افسرش راقتصد و معاون زندان ساری می‌بردازد. و بالاخره موفق میشود به اتفاق با مقامات قابل توجهی اسلحه، مهمات و بی‌سیم و... از زندان فرار کرده و در بهار ۵۲ به سنگر همزمانش در سازمان مجاهدین خلق پیوندد. از آن پس در زیر جدیدترین پیگردهای پلیسی و در خفقان آفرین‌ترین ایام حیات سیاسی مردم ما، در حالیکه عضو کسادر رهبری سازمان مجاهدین خلق بوده مبارزه‌ای خونین و مسلحانه علیه رژیم شاه‌هاشن ادا می‌دهد. بدلیل سرکشی که فرار و شهرام بر پیگری پلیس شاه وارد می‌نماید و بدلیل اینکه وی در صفا اول مبارزه مسلحانه جزیکی در طراحی اعدام انقلابی مزدوران پلیس شاه و دستار آن خونخوار آمریکائی نقش فعال دارد تا پیش در راس لیست پیگرد و سرکوب ساواک و کمیته مشترک قرار می‌گیرد. آری اینست خطوط اساسی زندگی محمدتقی شهرام مبارز آشتی‌ناپذیری که در سخت‌ترین شرایط و تحت شدیدترین سرکوب و پیگیری ناامتنان منیر و برای برافراشته نگا هداشن پرچم مبارزه انقلابی مردم ما جان برکف تا سرنگونی رژیم شاه و حفظ دستاوردها و پیروزی انقلاب کوشید. اما در نگاه پیروزی...

با او چه کرده‌اند؟

بموجب اطلاعاتی که در اختیار اینجانب قرار گرفته این انقلابی را ستین و شکنجی نایبید... تاریخ ۵۸/۴/۱۱ دستگیر و توسط ما موران کمیته مرکزی یا چشمان بسته به نقطه‌ها معلومی برده می‌شود و پس از ترتیب دادن صحنه اعدام به سلول‌های انفرادی زندان قصر منتقل میگردد. در تاریخ

۵۸/۴/۲۶ به خانه امنی منتقل میشود و توسط عوامل مشکوک که اینک برخی از آنان از دستگامه دادستانی برداشده اند تحت انواع شکنجه‌های روحی سه بار مورد بازجویی قرار می‌گیرد.

دوم شهریور ماه ۵۸ بیکی از یادگانه‌های لویزان منتقل میشود. در این زندان احمد رضا کریمی عامل خود فروخته ساواک ظاهرا بعنوان زندانی و در حقیقت برای جاسوسی بمدت ۴ ماه و نیم در کنار او قرار می‌گیرد و از او بازجویی بعمل می‌آورد.

در تاریخ دهم بهمن ماه ۵۸ یعنی پس از ۷ ماه گذران در سلول‌های انفرادی، تحمل شکنجه روانی و غل و زنجیر و تحمل صحنه‌های اعدام، بدون اجازه استفاده و هوای آزاد و زیستن در خانه‌های امنی که تشخیص روز و شب در آن مقدور نیست به سلول انفرادی اوین منتقل می‌گردد. در زندان اوین توسط اصغر میرزا جعفر علاف که در نمايش تلويزیونی رژیم شاه ضمن ابراز ندامت، انقلابیون ایران را بدلیل مبارزه با شاه مورد نکوهش قرار داده است! مورد بازجویی قرار می‌گیرد.

در این مدت از درد شدید معده، دردها و خونی‌ریزی لته گرفته ناریزش مونا را حتی پوستی و درد کلیه رنج میبرد بدون اینکه برای معالجه‌وی شماره اساسی اندیشیده شود. در حالیکه بیش از یکسال از تاریخ بازداشت این مبارز بزرگ در شرایط بدتر از زندانیان رژیم سابق می‌گذرد، اولین بار پس از نه ماه امکان ملاقات با خانواده‌اش را پیدا میکند و پس از ۴ نوبت از ملاقات با خانواده‌اش تا ایسر لحظه ممنوع می‌گردد. تاکنون به اینجانب اجازه ملاقات با وی داده نشده است و می‌خواهند او را بدون داشتن وکیل به بهانه تنگی اطاق در یک دادگاه غیر علنی محاکمه کنند. اما اخیرا لیزم از شاه‌ده چنین رفتاری بایک انقلابی ~~شاه~~ شاه‌دمان نمی‌گردد؟ آیا وقت آن نرسیده است که به حیثیت و هدفهای انقلاب ایران نظری دوباره بیفکنیم؟

اتهام او چیست؟

در اطلاعاتی مختصری که دادستانی انقلاب تا کنون انتشار داده است آقای محمدتقی شهرام متهم به شرکت در قتل مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه لیا ف شده است. در مورد شهادت مرتضی صمدیه لیا ف شاید لازم

توضیح نیا شد که وی در دادگاههای نظامی رژیم شاه محاکمه گردید و بدلیل عدم سازش با رژیم منحوس پیشین بجوخا اعدام سپرده شد و همان موقع نیز خبر اعدامها میرده به همراه عدهای دیگر از مجاهدین و مبارزین به آنها شرکت در اعدام انقلابی مستشاران خائوس آمریکا و... در روزنامهها درج گردید. علاوه بر این بخشی از صورت جلسه دادرسی پروندههای عدهای از قضات و بازپرسان دادرسی ارتش که در روزنامههای عصر تهران مورخ پنجم، ششم و هفتم آذرماه ۵۸ درج گردیده صریحا بر این واقعیت، تأیید و تائید کرده که شهید مرتضی صمدیه لیا ف بدست مزدوران ساواک و دادرسی ارتش مورد بازجوئی، بازپرسی و محاکمه قرار گرفته و محکوم به اعدام گردیده است. با این توصیف منتسب کردن قتل صمدیه لیا ف به محمدتقی شهرام فاقد هرگونه اعتبار بوده و تنها میتوان بعنوان دروغی آشکار که نیازی هم به تکذیب ندارد آن نام برد.

اما در مورد اتهام "شرکت در قتل مجاهد شهید، محمد شریف واقفی" دلایل غیر قابل انکار و شواهد و مدارک بی شماری وجود دارد که نشان می دهد موکل اینجانب بهیچوجه مباشرتی در قتل شریف واقفی نداشته است. مهمترین بخش این دلایل را میتوان در اسناد و مدارک موجود در بایگانیهای ساواک و دادرسی ارتش جستجو نمود و علاوه بر اعترافات مفصل کسانی که در جریان قتل مجید شریف واقفی مستقیما شرکت داشته و یا عمل قتل شریف واقفی را رهبری میکرده اند همگی گواها هستند که موکل اینجانب بهیچ وجه مباشرتی در این قتل نداشته است. بعنوان مثال صورت جلسه های جریان دادرسی پرونده ۵۵ تن از امراء و افسران سابق اداره دادرسی ارتش در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز میتواند مورد ملاحظه واقع شود. بنا بر این اتهام "شرکت در قتل محمد شریف واقفی" واهی و کذب محض است زیرا علاوه بر اینکه مدرک و سندی برای ایراد چنین اتهامی وجود ندارد تمام اظهارات و اعترافات کسانی که در سال ۵۵ از جمله به اتهام قتل شریف واقفی بجوخه اعدام سپرده شدند گواها بر این است که موکل اینجانب محمدتقی شهرام مباشرتی در قتل شریف واقفی نداشته است. علاوه بر این مختصر آشنائی به نحوه عملکرد سازمانهای مسلح چریکی که محمدتقی شهرام در گذشت رهبری یکی از آنها بوده است، همچنین شرایط و فضای پلیسی حاکم بر جامعه همگی بخوبی نشان می-

دهد که کار رهبری این سازمانها بطور مستقیم مجاز به شرکت در چنین عملیاتی نبوده اند. هرگز منظور از عبارت "شرکت در قتل"، دخالت در تصمیم گیری جمعی منجر به قتل باشد آنگاه باید به ملاحظه نمود که چنین تصمیم گیری بقرض صحت آن درجه ارتباطی و درجه مناسبات و تحت چه شرایطی صورت گرفته است؟ در واقع هر کس حتی از دور یا جریانات مبارزاتی میهن مادر سالهای ۵۵ بیخود آشنا نشدنی داشته باشد، متیادانده که این درگیریهای درون سازمانی مجاهدین خلق بوده است که تصفیه منجر به کشته شدن شریف واقفی را بدنیال داشته است. نتیجه بلافاصله این حقیقت، حقیقت دیگری میباشود آن ماهیت سیاسی - خشکیلاتی آنها است که در عزایت نارسانی "شرکت در قتل" پوشیده و مستور مانده است.

آیا دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی

به چنین اتهامی را دارد؟

اتهام انتسابی بدلیل آنکه مربوط به وقایع و اختلافات درون یک سازمان انقلابی در سالهای سیاه خفقان و در جریان مبارزه علیه دشمن مخوف و دلال امپریالیسم جها نخواست آمریکا است، نمی تواند بطور انتزاعی و جدا از کل سازمان انقلابی و نقش این سازمان در کل جنبش انقلابی مورد بررسی قرار گیرد.

چگونه میتوان از یک سو فردی را در جمع رهبری یک تشکیلات انقلابی بخاطر تصمیمی که جمع اتخاذ نموده است مورد بازخواست قرار داد و از سوی دیگر یکی از تصمیمات کل رهبری و تشکیلات سازمان را از مجموعه عملکرد آن سازمان و نقش عظیمی که در جریان انقلاب و مبارزه مردم بر عهده داشته است مجزا نموده و بطور انتزاعی مورد بررسی و قضاوت قرار داد؟

روشن است که داوری در مورد عملکرد سازمانهای انقلابی سیاسی بطور انتزاعی از عهده موازیست حقوقی خارج و بدون قایده است زیرا سرنویس اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک درون جنبش انقلابی در مبارزات سیاسی ایدئولوژیک و بحث و تبادل نظر درون جنبش به نتیجه خواهد رسید.

از این رو رسیدگی به اتهام انتسابی بموکل نه تنها از نقطه نظر کیفیت آنها موشرایط زمان وقوع بلکه مستندا به قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز در صلاحیت ذاتی دادگاه دادگاه انقلاب نیست زیرا الف - حتی اگر بخوایم هم برخلاف کلیه اصول حقوقی آقای محمدتقی شهرام را از کل سازمان

انقلابی که در آن عضویت داشته است منتزع نموده و مسئولیت تصمیمات متخذه توسط سازمان را بر عهده او قرار دهیم آنها را انتسابی یکا آنها سیاسی است زیرا همچنانکه خود او را بیش ژرفی که فقط از انقلاب و میتوان انتظار داشت، اظهار میدارد: "اگر اختلا - فات درونی یک سازمان سیاسی انقلابی که منجر به برخورد میان عدهای از اغواء آن شده است، سازمانی که تمام سوابق زندگی و فعالیتش مشحون از مبارزه - ای آشتی نا پذیر با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکاست. موضوعی دقیقاً سیاسی نباشد پس چه مسئله دیگری و ادعا در چه موضوع دیگری میتوانند سیاسی تلقی شود؟" و چون بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که علاوه بر اینکه قانون مادر است و محرک تصویب قانون دادگاههای انقلاب و ناقض است، "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و نا حضور هیئت منصفه در محاکمه دادگستری صورت می گیرد..." دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت برای رسیدگی به آنها مانتسابی است.

ب - بفرض محال که آنها مانتسابی را سیاسی بدانستند و برخلاف تمام اصول و قواعد حقوقی در رسیدگی آنها مانتسابی تلقی نمائیم و در مورد نقض قانون تشکیل دادگاههای انقلاب بوسیله قانون اساسی نیز تاسف نمی نمانیم، دادگاه انقلاب بموجب قانونی که موجه آنست فاقد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام انتسابی به آقای محمد تقی شهرام است زیرا بموجب ماده ۱۰۸ قانون تشکیل دادگاههای انقلاب مصوب ۵۸/۳/۲۷، این دادگاهها "بمنظور رسیدگی به جرائمی که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی زاجا دو حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است بنا بر پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران روی داده و یا میدهد..." تشکیل شده اند.

براستی چه کسی میتواند میارزات پیگیر این تکلیف بزرگی را علیه رژیم پهلوی با هدف سرنگونی آن ایتکار کند؟ لازم به توضیح نیست که آنها مانتسابی و قبل بدلیل زمان واقعه نمیتوانند بر ضد انقلاب اسلامی نیز باشد. علاوه بر این ماده ۲ قانون مذکور موارد صلاحیت دادگاه انقلاب را بطور حصری چنین تعیین کرده است: ۱ - قتل و کشتار بمظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب میارزات مردم ایران به امریت و مباشرت. ۲ - خیس و شکنجه مردم مبارزه امریت و مباشرت. ۳ - جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت المال

و یا ائتلاف ثروت کشور بمنفع بیگانگان. ۴ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی بمنفع ا جانب. ۵ - سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر. با توجه به تبصره ذیل همین ماده که مقرر میدارد "رسیدگی به جرائم خارج از موارد مشروحه قسوق در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت دادگاههای دادگستری یا نظامی میباشد" آیا کوچکترین تردیدی در مورد عدم صلاحیت دادگاه انقلاب وجود دارد؟

آقای رئیس جمهور:

آیا تا سفا انگیز نیست که علیرغم نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی از رژیم شاهگا مرا عقب تر نهاده و متهمین سیاسی را از داشتن وکیل محروم کنیم؟ این درد آور نیست که قانون اساسی را با گذشت کمتر از یکسال از تصویب آن نقض نمائیم؟ آیا زمان برای بدعتی چنین خطرناک خیالی زود نیست؟

این تاسف انگیز نیست که در طلبه استقرار نهادهای جمهوری اسلامی انقلابی صادقانه نیمی از عمرش را صرف مبارزه برای پیروزی انقلاب کرده است در دادگاههای محاکمه شود که برای رسیدگی به جرائم ضد انقلابیون تشکیل شده است؟

این مصیبت نیست که نیرو و توانمان را بجای صرف محو سلطه امپریالیسم در دره رقابتها و کشمکشهای داخلی بر سر قدرت بریزیم؟ نسلهای آینده بما چه خواهد گفت وقتی نتوانند دادگاه سرخاسته از انقلاب ضد امپریالیستی یکی از سازمانهای بزرگ مبارزه ضد امپریالیستی را بر ضدلی آنها نشانید و...؟

با تقدیم احترام - هادی اسماعیل زاده

۵۹/۴/۱۴ (۱ مضاء)

رونوشت: دادستان کل انقلاب اسلامی ایران
ریاست دادگاه انقلاب اسلامی
روزنامه: کیهان، با مداد، اطلاعات، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی
کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان
اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات

۲۷

آقای دکتر هادی اسماعیل زاده وکیل محترم دادگستری !

پیام اعتراض آمیزتان در مورد تکثیر بدون اجازه و مشورت نامه مورخ ۱۴ / ۴ / ۵۹ جنابعالی به آقای رئیس جمهور در ساعت ۸ بعد از ظهر امروز (۱۷ / ۴ / ۵۹) به این کمیته واصل گردید . با پیوستن از اشتباه عدم مشورت و کسب اجازه قبلی از شما اطمینان میدهد که به محض وصول پیام . جمع - آوری کلیه نسخ چاپ شده آغاز گردید .

باتقدیم احترام

کمیته دفاع از تقی شهبام

ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه ۱۷ / ۴ / ۱۳۵۹



www.iran-archive.com

۲۹ / ۳

Hadi - Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat Inscrit Au Barreau De Téhéran

216 Ave. PAHLAVI TEHERAN13

Tel. 649713

هادی اسماعیل زاده

دکتر در حقوق

وکیل پایه یکت دادگستری و مشاور حقوقی

تهران ۱۳ - خیابان بهلوی - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

۲ - در صورتیکه لازمست در مورد کارهای ارجاعی قبلا متن لوائییح و تلگرافات و نامهها به تصویب هیات اجرائی جمعیت برسد و مراتب را اعلام فرمایند .

با تجدید احترام - هادی اسماعیل زاده

رونوشت : کمیته معاضدت جمعیت حقوقدانان

دستورالعمل
۵۴۸
۵۶۴۱۸

www.iran-archive.com

۳۱/۵

Hadi_Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel: 649713

گلاب

دکتر هادی اسماعیل زاده

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان مصدق - چهارراه امیر اکرم - شماره 216

تلفن 649713

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران

پیرو گزارشها که مبدع ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ لغت نامه و

گلاب مبدع ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ لغت نامه و سایر کتب که به لزوم رعایت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر کتب که در این زمینه از چهار روز به حال

آقای محمد تقی شهباز (مدکل) و باقی نمائندگان استحضار است مستوفی است

۱- رساله شماره ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ لغت نامه و سایر کتب که در این زمینه از

انقلاب ۱۰ است به استنادی مدکل رساله و نسخه مربوط به اینجانب را

انبار شماره

۲- کتب هرات صادره را مستنداً به ماده ۴ قانون تسلیس راهکارهای انقلاب

با اینجانب نیز ابلاغ نمائید.

۳- ترتیب ملاقات اینجانب با مدکل را سریع و زودت داده شود

و مستدراً از من نیت جنبه سیاسی مانع انجام عملی شود که علیه انقلاب ایران را محسوس

خواهد کرد.

یقه ام آقام جاری است

دکتر محمد تقی شهباز

۱۴ اردیبهشت ۵۹

رئیس هیات مدیره دادگاه

ریاست دادگاه انقلاب

آقای زارستان گل

روزنامه اطلاعات، تهران

بهدار، انقلاب اسلامی

۱۳۱/۹

Hadi_Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel. 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان صدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

روزنامه کیهان

روزنامه جمهوری اسلا می

روزنامه صبح آزادگان

احتراماً: خواهشمند است دستور فرمائید مستنداً به قانون مطبوعات شرح زیر را در پاسخ به
اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلا می مندرج در شماره مورخ ۱۸/۴/۹۵ آن روزنامه در همـ
ستون و اولین شماره درج نمایند.

دادسرای انقلاب با موضع گیری که در بیان آن دادسرا نیست جمله " نظر باینکه حسب اطلاع موکل
بیمار است قبلاً نظریه پزشکان قانونی در مورد توانایی جسمی آقای تقی شهرام جهت حضور در
دادگاه استعمال گردید " مندرج در تلگراف مورخ ۱۱/۴/۹۵ اینجانب را " اعلام خلاف واقع " عنوان کرده اند در حالی که:

۱- به موجب نامه های پستی مورخ ۱۱/۳/۹۵ و ۱۹/۳/۹۵ موکل بعنوان خانواده اش نامبرد
صراحتاً مراتب بیماری خود را اعلام داشته است که اگر این ادعا مقرون بصحت نبود با توجه باینکه
نامه های پستی زندانی قبل از ارسال کنترل میشود یا از ارسال آن جلوگیری مینمودند و یا از
میخواستند آنها را اصلاح کند.

آقای محمد تقی شهرام در نامه مورخ ۱۱/۳/۹۵ نوشته است: " وضعیت جسمی ام درست برخلاف
وضعیت روحی چندان روبراه و مساعد نیست سوزش و درد شدید معده لحظه به لحظه مرا همراهی
میکند باضافه سرگیجه و حالت بی حسی مداوم و بعد درد قسمتی از کمر... "

روی در نامه مورخ ۱۹/۳/۹۵ خود مینویسد " در این هوای گرم به نوعی گلودرد هم مبتلا شده ام
و صدایم به شدت گرفته است... آن قرصهای قند طبعی را که حتماً در میان خرت و پرت هایم
پیدا کرده اید همراه بیاورید البته قرصهای مربوط به اسید اوریک را هم لازم داشتم اما نمیدانم
نسخه اش کجاست... "

از سوی دیگر موکل از مدت ها قبل از تاریخ نوشتن نامه تلا ۱۴/۴/۹۵ " یعنی ^{روز} ^{پیش} از تاریخ
ارسال تلگراف اینجانب " ممنوع الملاقات بوده و با و اجازه ارسال نامه نیز داده نشده است تا اینجانب

در تاریخ ۲۹/۳/۹۵ در کل با دارسی که در این عمل نیز همکاران اراده داشتند

۵۹/۳/۹۵

۳۳/۹

Hadi_Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran
tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان معدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

و خانواده او از باز یافتن سلا متش آگاهی یابیم . نتیجتاً اینجانب با توجه به عدم اطلاع از وضعیت مزاجی او طبق مقررات قانونی از دادگاه درخواست نموده ام نظریه پزشکان قانونی جهت امکان حضور در دادگاه استعلام گردد .

۲- در اطلاعیه دادستانی ضمن تأیید کاهش زیاد فشارخون موکل زیرلانه از اشاره بسایر بیماریهای مندرج در نامه او خودداری شده است و علاوه بر آن اطلاعیه دادستانی بیماری کاهش خون را بتاريخ ۲ تا ۳ ماه قبل ذکر میکند و حال آنکه موکل در جوابیه خود آنرا یکماه و نیم قبل (یعنی تاریخ اطلاع ما) اعلام نموده که خود مبین صحت اعلامی است که اینجانب بر اساس اطلاعات واصله نموده ام .

۳- نظر باینکه در ذیل جوابیه موکل در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته شده است " در متن نامه دو قلم خوردگی در حضور تقی شهرام و یک قلم خوردگی از خودش بوده است " مستدعیست عین جوابیه موکل در روزنامه کیشه شود تا مورد ملاحظه ملت مبارز ایران قرار گیرد . در خاتمه خواهشمند است در صورت امکان نامه های موکل را به بضمیمه تقسیم میگرد در آن روزنامه کیشه نمایند تا حقیقت آشکار گردد .

با تقدیم احترام - وکیل تقی شهرام

دکتر هادی اسماعیل زاده

۱۹ / ۴ / ۵۹

۱۳۱۴/۵

Hadi_Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک - دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان ممدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

بتاریخ نهمم تیر ماه ۱۳۵۹

اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات

دسم ژوئیه ۱۹۸۰

احتراما بااستحضار میرساند.

دادگاه انقلاب اسلامی تهران در تاریخ ۲۷/۴/۵۶ تقی شهرام و مبارز
ضد شاه و ضد امپریالیسم را که ۱۳ سال از عمر خود را در زندان شاه و زندگی مخفی
گذرانیده است با اتهام شرکت در قتل شهید مجید شریف واقفی (واقعه‌ای که بحالت مسائل
درون سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۹۷۵ اتفاق افتاده و آقایان افراخته
و خاموش در دادگاهها و رژیم شاه به انجام آن اعتراف نموده و محکوم باعدام شده اند)
در این دادگاه دلا بسته و غیر علنی و بدون حضور وکیل مدافع مطاکمه نمایند.
آقایان تا این لحظه علیرغم درخواستهای مکرر از محاکمه اینجانب بعنوان وکیل مدافع
منتخب جمعیت حقوقدانان ایران سرا خودداری نموده اند. وکالتاً ماهی را که برای امضا موکل
تسلیم نموده ام هنوز مسترد نشده اند و علاوه بر آنکه از ملاقات اینجانب با موکل
مانعت نموده اند پرونده اتهامی را نیز در اختیارم قرار نداده اند. بملأوه حقوق
انسانی موکل در ایام بازداشت (از دوم ژوئیه ۱۹۷۹) نقض شده است.
از طرف دیگر دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت برای رسیدگی با اتهامات وارده است زیرا
۱ - اتهام انتسابی مربوط به اختلافات درون سازمانی و سازمان مجاهدین خلق
در سالهای ۷۵ - ۱۹۷۳ و نتیجتاً اتهامی سیاسی است که بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاههای عمومی یا حضور هیئت منصفه است.

۳۵/۵

Hadi _ Esmailzadeh

Doctor en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh _ Téhéran
tel: 649713

دکتر هادی اسماعیل زاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان معدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

- ۴ - نظر به اینکه صلاحیت دادگاههای انقلاب در صورتی است که نیتی اگر اتهام سیاسی تلقی نمود بموجب قانون تمیزات دادگاههای انقلاب رسیدگی به آن از صلاحیت دادگاه انقلاب خارج است زیرا بموجب ماده ۲ قانون یاد شده
- ” رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت دادگاههای انقلاب
- ۱ - قتل و شکار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به امر -
یت و مباشرت •
 - ۲ - حبس و شکنجه مردم مبارز به امریت و مباشرت •
 - ۳ - جنایات تروریستی اقتصادی یعنی غارت بیت المال و یا اتلاف ثروت کشور بِنفع بیگانگان •
 - ۴ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی بِنفع اجانب •
 - ۵ - سرقت مسلحانه ، تجاوز به عنف ، ساختن ، وارد کردن یا پخش مواد مخدر •
- تبصره • رسیدگی به جرائم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت دادگستری یا نظامی میباشد ”
- بدین جهت از شما بعنوان دوستداران صمیمی انقلاب خود امپریالیستی ایران تقاضا میکنم با توجه به مشارکتی که در مبارزات ملت ایران علیه رژیم فاسد و وابسته به امپریالیسم داشته اید ، از امام خمینی رهبر انقلاب ایران درخواست کنید به مقامات داستانی انقلاب تذکر دهند در حالیه می توانند درین دادگاه عمومی و علنی با حضور

۳۹/۳

Hadi_Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat a la Cour

216 Ave. Mossadegh - Téhéran

tel: 649713

دکتر هادی اسماعیلزاده

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

تهران - خیابان صدق - چهارراه امیراکرم - شماره ۲۱۶

تلفن ۶۴۹۷۱۳

هولیت شده به داورى تصمیمات و اعمال موکل بپذیرند و با مذاکره غیر قانونی یا مبارز ضد امپریالیسم در نا دگاهی که برای محاکمه ایادرا امپریالیسم تأسیس شده است چهره اشغال ایران را مخدو نمازند .

موجب نهایت تشکر من و واحد بود که با اتحادیه حقوقدانان غرب نیز تماس حاصل

نموده و توجه آنها را به وظیفه منی که در مورد صیانت حقوق زندانیان سیاسی دارند

جلب فرمائید .

با تقدیم احترام

هادی اسماعیلزاده

وکیل نظری مهرا

- ۱ - آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران .
- ۲ - آقای نوری آلبالا .
- ۳ - ریاست دیوان عالی کشور .
- ۴ - آقای دبستان کل کشور .
- ۵ - همه حقوقدانان ایران .

۳۷/۹

Hadi Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat à la Cour

218 Ave. Fossadegh - Téhéran
Tel. 649713

دکتر ہادی اسماعیل زاوہ
وکیل پیکیسٹ و آڈیٹری و مشاورت

ہیران - خیابان صدق - چارواکراکرم - شماره ۲۱۶
تلفن ۶۴۹۷۱۳

10 JUILLET 1980

ASSOCIATION des JURISTES DEMOCRATES 44 AVE JUPITER 1190
BRUXELLES (BELGIQUE)

Le tribunal de la Révolution Islamique de Téhéran fait passer en procès Mohammad-Taghi CHAIRI le 19/7/80, militant anti-impérialiste et anti-Chah qui pendant 13 ans a passé sa vie en prison et en clandestinité, pour avoir participé au meurtre du martyr Hédjrid Charif Vaghefi (événement dû aux problèmes internes de l'Organisation des Modjahedine du Peuple d'Iran en 1975 et M. Afroughi et Khamouchi ont avoué avoir participé dans ce meurtre et ils ont été condamnés à mort par les tribunaux du Chah.) Le tribunal sera à huis-clos sans présence d'avocat et illégal. Malgré des demandes consécutives de m'accepter en tant qu'avocat de l'Association des Juristes Iraniens, cela a été refusé. La procuration qui devait être signée par mon client ne m'a pas été remise et de plus il m'a été interdit de visiter celui-ci et son dossier ne m'a pas été remis.

Les droits humains de l'accusé ont été bafoués au cours de sa détention (2 juillet 79). D'autre part le tribunal de la révolution n'a pas le devoir de s'occuper des accusations suivantes:

1- Les accusations portées concernant les conflits internes de l'Organisation des Modjahedines du Peuple dans les années 73-75, sont des accusations politiques qui selon l'article 168 de la loi Constitutionnelle de la République Islamique de l'Iran, concernent les tribunaux publics avec la présence d'un jury.

2- Selon la loi de la formation des tribunaux de la Révolution, même si ce cas est dans le cadre de leur devoir, suite à l'article 2 de la loi citée en lit:

" Les accusations ci-dessous sont dans le cadre du devoir des tribunaux de la Révolution:

- 1- Meurtre et assassinat pour la consolidation du régime Pahlavi et répression des luttes du peuple.
- 2- Emprisonnement et torture du peuple militant.

۲۱/۷

Hadi_Esmailzadeh

Docteur en Droit

Avocat a la Cour

218 Ave. Mostafadegh - Téhéran
Tel. 649713

دکتر هادی اسماعیلزاده
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

دیوران - خیابان ممدق - چهارراه امیرکرم - شماره ۲۱۸
تلفن ۶۴۹۷۱۳

- 2 -

- 3- Grand crime économique c'est-à-dire pillage des biens du peuple et richesse du pays au profit des étrangers.
- 4- Complot contre la République Islamique avec démarche armée, terreur et destruction des sociétés, et espionnage au profit des étrangers.
- 5- Vol armé, viol à la puèser, trafic de drogue.

Annexes: Les accusations en dehors de celles-ci ne sont pas le devoir des tribunaux de la Révolution et concerne les tribunaux du Palais de justice. "

C'est pourquoi je vous demande en tant qu'amis de la Révolution anti-impérialiste de l'Iran et tenant compte des luttes du peuple iranien contre le régime pourri, inféodé à l'impérialisme américain du Chah, de demander à l'Imam Khomeiny dirigeant de la Révolution de l'Iran, qu'il rappelle au Procureur de la Révolution qu'il peut s'occuper et décider des actes de l'accusé dans un tribunal public avec la présence d'un jury; et qu'avec le procès illégal d'un militant anti-impérialiste, la Révolution iranienne sera bafouée.

Je vous serais très reconnaissant de contacter l'Association des Juristes Arabes et de leur rappeler leur devoir envers les droits des prisonniers politiques.

Très sincèrement

H. ESMAILZADEH

Avocat de Taghi Chabram.

Copies: M. Bani Sadr, Président de la République de la République Islamique de l'Iran.
Nuri ALBALA.

۳۶/۵